

واکاوی ابعاد مسئله حجاب در حقوق بشر (با نیم نگاهی به فرهنگ ملی افغانستان)

محمد مهدی کریمی نیا^۱، محمد علی ابراهیمی^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، استاد رشته حقوق در مؤسسه تحصیلات عالی ناصر خسرو ولایت دایکندی افغانستان

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

کاوش پیرامون مسئله حجاب این نتیجه را به دست می دهد که از گستردگی خاصی برخوردار می باشد. چون مجال بررسی کامل آن نیست، به صورت اعم به کارکردهای حجاب در راستای حفظ حقوق بشر و روش های ترویج حجاب و تأمین حقوق بشر زن اشاره می شود و با دیدگاه حقوق بشر انعکاس می یابد. چون از جمله مباحثی که همواره به عنوان یک موضوع بحث برانگیز و جنجالی، مطرح بوده، ذهن و ضمیر انسان ها و جوامع بشری را (در داخل و خارج) به خود معطوف و مشغول ساخته است، مقوله حجاب و حقوق بشر می باشد. یافته های پژوهش در باره کارکردهای حجاب در راستای حفظ حقوق بشر شامل: «تقویت امنیت اجتماعی زنان، افزایش آرامش روانی در جامعه، حمایت از خانواده در کارکرد جنسی، حرمت بخشیدن به زن، مجوز حضور زن در اجتماع و احقاق حقوق بشری، استحکام پیوند خانوادگی، مبارزه با نفس و غیره» است. همچنین یافته های دیگر پژوهش در باره روش های ترویج حجاب و تأمین حقوق بشر زنان شامل «تقویت ایمان و باورهای دینی زنان، احیاء ارزش های اصیل اسلامی، شناسایی و معرفی الگوهای والا در زمینه حجاب، کتب درسی، رسانه های گفتاری- نوشتاری- شنیداری- نمایشی، نقش خانواده ها در گسترش فرهنگ حجاب و غیره» می شود.

واژه های کلیدی: حقوق بشر، مسئله حجاب، پوشش، حقوق ایران، حقوق افغانستان

مقدمه

افغانستان به دلیل قرار گرفتن در وضعیت جدید، اقتضائات و شرایط خاصی را می‌طلبد. رهایی از سیطره نظام قرون وسطایی شاهی، تجربه سه دهه جنگ، عبور از حاکمیت تحجر طالبان و قرار گرفتن در فضای باز دموکراسی می‌طلبد که گام‌های اساسی، اصولی برداشته شود. چون ممکن است یک اشتباه و حرکت ناسنجیده باعث خسارات جبران ناپذیر گردد. امروز از فضای باز دموکراسی همه استفاده می‌کنند، تمام اشخاص حقیقی و نهادهای سیاسی مدنی، اجتماعی و فرهنگی (اشخاص حقوقی) فعال شده و مرام خویش را تعقیب می‌نمایند. از جمله بحث‌های داغ و به‌روز کشور (که در کارنامه نهادهای مختلف قرار می‌گیرد) مسأله زنان و حقوق بشر است. موضوعاتی که در سایر کشورهای جهان حلاجی و متروک شده، در سرزمین ما شروع و نو جلوه می‌کند. در موضوع زنان که ارتباط با حقوق بشری آنان هم دارد موضوعات زیادی قابل طرح و تحلیل می‌باشد. از جمله آن بحث «حجاب و حقوق بشر» است. زیرا ممکن است این اشکال مطرح شود که پوشش اسلامی موجب تبعیض و نقض حقوق بشری زن می‌باشد. به این دلیل که امکان دارد از تشریع حجاب به‌عنوان قوانین دست و پاگیر، غیرکارآمد و ارتجاعی نامبرده شود و لزوم رعایت آن را مانع استیفای حقوق اجتماعی زنان معرفی نماید. بنابراین می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا حجاب با حقوق بشری زنان در تنافی و ضدیت است یا خیر؟ به‌دیگر عبارت می‌شود پرسید که آیا تشریع حجاب برای زنان نوعی تبعیض علیه آنان نخواهد بود؟! پس اگر حجاب موجب محرومیت زن از حقوق اساسی و آزادی‌های بنیادی خود شود، و یک نوع تبعیض تلقی گردد، مسلماً با حقوق بشری آنان در تنافی و تناقض واقع می‌شود، که از دید اسناد بین‌المللی قابل اعتراض و موضع‌گیری حقوقی می‌باشد. جواب این پرسش در یک کلام این می‌باشد که رعایت حجاب و پوشش اسلامی، نه تنها مانع حضور زنان در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی نمی‌باشد، بلکه بر عکس، تشریع حکم حجاب از سوی شارع مقدس، در حقیقت مجوز حضور آنان در صحنه‌های اجتماعی به‌حساب می‌آید، والا نشستن در خانه و ماندن در کنار اعضای خانواده، رعایت نوع حجاب مورد نظر را نمی‌خواهد تا در باره آن حکمی صادر شود. لذا صدور حکم پوشش اسلامی از سوی شرع مقدس بهترین دلیل بر این مطلب است که دین اسلام نه تنها با فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی زنان مخالف نیست، بلکه خود زمینه حضور آنان را در فعالیت‌های اجتماعی فراهم کرده است.

اما تفصیل جواب مقتضی است که در آغاز تحت عنوان کلیات مفاهیم، اقدام به تبیین معانی حجاب و حقوق بشر شود و تعریف‌های که از این دو نهاد به‌عمل آمده تحقیق و کاوش گردد، تا با شناخت کافی زمینه‌ای ورود به بحث اصلی فراهم گردد. بعد از تعریف، تبیین ضرورت بحث حجاب در جوامع اسلامی و استناد به آیات کلام الله مجید را نمی‌توان از نظر دور داشت و نگاهی نوبت به کاوش در فلسفه تشریع حجاب می‌رسد، که دیدگاه‌های زیادی پیرامون آن مطرح گردیده و در این نوشته به‌گزیده آن اشاره خواهد شد. تنازعی که میان فقه و حقوق (مخصوصاً در اسناد بین‌المللی) است می‌طلبد که تحلیل شود که آیا این دو نهاد مهم بین‌المللی در چالش با همدیگر هستند یا راهی برای ملائمت و تفاهم وجود دارد؟ بررسی‌های که در این نوشته انجام شده نشان می‌دهد که مشکل حادی وجود ندارد. چون بحث از حقوق زنان است و قوانین کشور هم در این زمینه کم نیامده، بررسی و شناخت احکام آن خیلی مهم به‌نظر آمد تا آموزه‌های فقهی و حقوقی در کنار هم به‌مقایسه گرفته شود. این روش نگرانی‌های ابتدایی را بر طرف می‌کند و توهم تبلیغ مسیحیت در قالب حقوق بشر را از بین می‌برد. در نهایت از این بررسی باید به یک جمع بندی رسید و کارکردهای اصولی و روش‌های ترویج حجاب برای قوام و استواری حقوق زن و سودآوری التزام به احکام شریعت را بر شمرد. تا هم باعث آرامش خاطر زنان کشور باشد و هم دغدغه‌های مدافعان از حقوق آنان را بر طرف کند و زمینه‌های سوء استفاده را خنثی سازد. تا کسی نتواند از فضای باز موجود ماهی مقصود را صید کند.

۱. مفاهیم

۱-۱. مفهوم‌شناسی حجاب

۱-۱-۱. مفهوم لغوی

حجاب در لغت به معنای پوشش است، به همین علت این کلمه را معادل «ستر» قرار می‌دهند. جوهری در تعریف «حجاب» می‌نویسد: حجاب پوشش است. ابن‌منظوم نیز در یکی از دو تعریفی که برای حجاب می‌کند، می‌گوید: حجاب از ماده حجب است که به معنای پوشش خواهد بود. زمانی که گفته شود: فلان چیز را محجوب کرد و در حجاب قرار داد معنایش این است که آن را پوشانده و مستور ساخته است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۲۹۸). بنابراین وقتی به زن صفت محجوبه داده می‌شود منظور شخصی است که به وسیله پوشش مناسب خود را مستور می‌گرداند.

گاهی حجاب را به معنای «پوشش» به کار می‌برند، اما معنای اصلی واژه «حجاب» هر چیزی است که مانع، رادع، فاصله و حائل میان دو چیز قرار گیرد. اگر به پوشش هم حجاب اطلاق می‌کنند، به جهت مانعیت آن است. زیرا حجاب حرمت و کرامت زن را از گزند نگاه گناه آلود نامحرم و بیگانه باز، مصون و محفوظ می‌دارد و میان عفاف زن و آرایش نگاه نامحرم، فاصله ایجاد می‌نماید (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۳).

۱-۱-۲. مفهوم قرآنی حجاب

معنای قرآنی «حجاب» نیز پوشش می‌باشد. در جاهای متعدد قرآن از این کلمه استفاده شده که در صریح‌ترین آن به پوشش ترجمه گشته است. بنابر این حجاب که یک واژه عربی است، در نگاهی معنایی، به معنای پوشیدن، پوشش، پرده و حاجب است که البته در این میان، معنای پرده، بیشترین کاربرد را دارد. در قرآن کریم، این واژه همواره به معنای پرده و حایل به کار رفته است. آن چنان که می‌خوانیم:

«وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا» (الاسراء، ۴۵/۱۷)

و هنگامی که قرآن می‌خوانی، میان تو و آن‌ها که به آخرت ایمان نمی‌آورند، حجاب ناپیدایی قرار می‌دهیم.

۱-۱-۳. مفهوم فقهی حجاب

مفهوم فقهی این کلمه معادل «ستر» است. فقیهان در گذشته و حتی هم اکنون از کلمه ستر در بیان مقاصد فقهی خود استفاده می‌نمایند. یکی از مراجع معاصر می‌نگارد:

در کلمات فقها از قدیم‌ترین ایام تاکنون نیز در مورد پوشش زنان معمولاً کلمه ستر به کار رفته، و در روایات اسلامی نیز همین تعبیر یا شبیه آن وارد شده است، و به کار رفتن کلمه «حجاب» در پوشش زنان اصطلاحی است که بیشتر در عصر ما پیدا شده و اگر در تواریخ و روایات پیدا شود بسیار کم است (شیرازی، مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۰۲).

شهید مطهری در یکی از اظهارات خود چنین ابراز نظر می‌نماید:

استعمال کلمه «حجاب» در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است. فقها چه در کتاب الصلوة و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده‌اند کلمه «ستر» را به کار برده‌اند نه کلمه «حجاب» را (مطهری، بی تا، ج ۱۹، ص ۴۳۰).

از مجموع مستندات و اظهارات فوق به دست می‌آید که حجاب از لحاظ مفهومی مساوی ستر است. با این که این دو کلمه عربی هستند و جانشینی یکی بر دیگری چندان دلیل موجه ندارد. زیرا معادل فارسی هر دو عبارت از پوشش و استار است. مگر این که گفته شود حجاب اشاره به وسیله دارد و ستر نمودی از خود فعل پوشیدن باشد.

۱-۲. مفهوم‌شناسی حقوق بشر

۱-۲-۱. مفهوم‌شناسی لغوی حقوق بشر

حقوق بشر عبارت است از مجموعه حق‌های که یک انسان بما هو انسان، می‌تواند دارا شود. مجموعه حق‌های که هیچ قیدی بر نمی‌تابد، منسلخ و لیسیده است. این تعریف از اعلامیه جهانی حقوق بشر قابل برداشت است. در لغت فارسی آمده که حقوق بشر مجموعه حق‌ها و آزادی‌های اختصاص یافته به‌عنوان حق طبیعی انسان است که باید از جانب همه قدرت‌های سیاسی محترم شمرده شود (انوری، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۲۵۸).

یک محقق خارجی می‌نگارد: حقوق بشر عبارت از حقوقی است که از نظر ملل متمدن برای هر فرد به‌طور ذاتی و اساسی وجود دارد. این حقوق تجزیه و تفکیک ناپذیر هستند و اگر دولتی بخواهد در شمار ملل متمدن قلمداد گردد رعایت این حقوق الزامی است.

او هم‌چنین می‌نگارد: از نظر تاریخی حقوق بشر غالباً حقوق سیاسی و مدنی بود، ولی در دوران معاصر گسترش یافته و شامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز شده است. تضمین‌های سنتی در قوانین اساسی دول در خصوص حقوق اتباع خود در دوران جدید با تلاش‌های بین‌المللی سازمان ملل و سازمان‌های منطقه‌ای تکامل یافته است.

از دید این پژوهشگر اصطلاح حقوق بشر دارای مقدار ابهام است. زیرا این تصور را به‌وجود می‌آورد که افراد در حقوق بین‌الملل صاحب حق هستند، ولی حقیقت این است که معاهدات بین‌المللی خاصی برای افراد ایجاد حقوقی نموده اند (رابرت بلدسو، ۱۳۷۵، ص ۱۰۱).

قابل ذکر است که همین ابهام‌های مفهومی باعث شده که در اصل و مبانی حقوق بشر اختلافات فاحش بروز نماید و تفسیر گوناگون از آن موجب شک و تردیدی جدی گردیده است.

۱-۲-۲. مفهوم اصطلاحی و قانونی حقوق بشر

راجع به مفهوم دکترین و ترمینولوژی باید گفت، حقوق بشر Human Rights عبارت از مجموعه حقوقی که است براساس نظریه «حقوقی طبیعی» به موجب «قانون طبیعی» یکسان به افراد بشر داده شده و جزء ذاتی و جدایی ناپذیر موجودیت انسانی آن‌ها به‌شمار می‌آید و نهادهای حقوقی و قضایی (داخلی و بین‌المللی) می‌باید از آن دفاع کنند. این حقوق طی اعلامیه جهانی حقوق بشر منتشر شده و به جهانیان اعلام گردیده است. حقوق جزایی نیز در سطح داخلی و بین‌المللی، تلاش در حفظ و صیانت از حقوق بشر دارد و کشورها در تنظیم و تعیین جرایم و مجازات‌ها معمولاً از مفاد اعلامیه فوق تبعیت می‌کنند (ایمانی، ۱۳۷۵، ص ۲۷۳).

از کتاب معروف فرهنگ فلسفی ولتر نقل شده که گفته است: حقوق بشر یعنی آن که جان و مال آدمی آزاد باشد و او بتواند به‌زبان قلم با دیگران سخن گوید، ... یعنی این که محکومیت کیفری بر حسب مقررات قانون صورت گیرد (موحد، بی تا، ص ۳۷۹).

حقوق بشر از آن موضوعاتی است که هر کس و در هر موضوع برای آن تعریف ذکر کرده است. از لحاظ فلسفی گفته شده حقوق بشر عبارت از: «مجموعه‌ای از اصول پذیرفته شده‌ای که از طبیعت انسانی ناشی شده و ذاتی بشر تلقی می‌شود» (تومان‌پین، ۱۳۴۴، ص ۱۸) است. جامعه‌شناسان می‌گویند: «مجموعه قواعد شناخته شده‌ای که در رابطه با رشد شخصیت انسان ضروری بوده و دارای نقش حیاتی باشد» (همان، ص ۲۱) حقوق بشر خوانده می‌شود. در مکتب لیبرالیسم به «مجموعه‌ای از قواعد و اصول حمایتی که افراد را در عرصه اجتماع و در برابر اقتدار دولت از تعرض مصون دارد» حقوق بشر اطلاق می‌شود (ژاک مورژئون، ۱۳۸۰، ص ۱۴). حقوق دانان و سیاست مداران بر این باورند که «مجموعه‌ای از اصول و قواعد کلی که به‌مثابه حقوق مدنی و جهانی حقوق اساسی ملت‌ها را چه در میان خود و چه در بین مردم یک کشور برای تأمین آزادی، صلح، عدالت و روابط دوستانه تضمین و تأمین می‌نماید» (این تعریف از اعلامیه جهانی حقوق بشر اخذ شده است)

حقوق بشر است. و از نظر مکتب اسلام حقوق بشر عبارت است از: «مجموعه‌ای از اصول برخاسته از فطرت انسان که با دو ویژگی در عرصه زندگی او ظاهر می‌شود: ۱) نیازهای دورنی ذاتی؛ ۲) استعداد بیکران رشد و تعالی» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، در آمدی بر حقوق اسلامی، بی تا، ص ۱۲۳).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، اگرچه پذیرش جهانی در مورد اصل حقوق بشر وجود دارد، ولی در مورد مفهوم و ماهیت و گستره این حقوق توافقی وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت اصولاً منظور از حقوق در این جا، اعطای امتیاز به یک فرد در برابر تکالیفی که بر عهده دارد، است و دولت به‌عنوان مقام اعطا کننده، حق دخل و تصرف و محدود کردن آن‌ها را ندارد، بلکه انسان به‌دلیل انسان بودن دارای چنین حقوقی است که دولت‌ها و زمامداران باید آن را محترم بشمارند (محمودی، ۱۳۸۵، ص ۲۲).

۳-۱. نسبت حجاب و حقوق بشر

در منطق وقتی الفاظ را با هم مقایسه می‌کنند، مشخص می‌شود که یا با هم وحدت معنایی دارد (مترادف هستند) یا کاملاً مباین و افتراق دارند. منظور از تباین مفهومی آن است که دو لفظ کاملاً با هم مغایرت دارند. گاهی هم تغایر مفهومی به‌حسب مصداق می‌باشد (مظفر، ۱۴۰۰، ص ۶۶). با توجه به این مقدمه و آن‌چه در ذیل مفاهیم حجاب و حقوق بشر بیان شد، مشخص می‌گردد که این دو تعبیر کاملاً با هم تباین مفهومی دارد و حتی مصداقاً نیز با هم متغایر خواهد بود.

حال می‌توان پرسید که بین این دو لفظ چه نسبتی برقرار است؟ آیا این دو لفظ از جمیع جهات با هم برابر هستند؟ (تساوی) یا در بعض افراد با هم اشتراک دارند (عموم و خصوص من وجه) یا از یک جهت اشتراک و از جهات دیگر افتراق دارند؟ (عموم و خصوص مطلق) یا اصلاً با هم جهات اشتراکی ندارند؟ (تباین و تغایر) (همان) ظاهراً بین «حجاب و حقوق بشر» از نظر منطقی نسبت عموم و خصوص من وجه برقرار است. جهت اشتراک «زن» است که می‌تواند محجبه و دارای حقوق بشری باشد. پس از نظر منطقی هیچ بعدی قابل تصور نیست که زن هم دارای حجابی که در فقه و احکام الزامی آن لحاظ شده باشد و هم مدعی نفی تبعیض جنسیت علیه خود شده و از آن جهت که انسان است، از مجموعه حقوقی که اعلامیه‌های حقوق بشر عرفی و حقوق بشر اسلامی آن را معین کرده برخوردار باشد.

یعنی از جمع‌بندی مفاهیم لغوی و ترمینولوژی الفاظ «حجاب» و «حقوق بشر» می‌توان نتیجه فوق را حاصل نمود. و محتوای کلی آن را تبیین کرد. همان‌طور که در مباحث آتی به این نتیجه خواهیم رسید. اما پذیرش این مطلب به‌سادگی میسر نیست. زیرا اختلافات زیادی در میان محققان و نظریه پردازان دیده می‌شود. پس برای اثبات مدعی لازم است دیدگاه‌های ایجابی و سلبی بررسی شود، تا امکان اظهار نظر قاطع فراهم گردد.

۲. فلسفه حجاب در جوامع اسلامی

دیدگاه‌های فراوانی راجع به حجاب ابراز شده است که در ذیل به‌نمونه‌های آن اشاره می‌شود:

۱) عده‌ای رعایت حجاب و پوشش اسلامی را مانع حضور زنان در اجتماع تلقی کرده و مدعی هستند که رعایت حجاب برای زنان دست و پاگیر بوده و مانع فعالیت‌های آن‌ها در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود و از این ناحیه، آسیب‌های اقتصادی به‌جامعه و پیامدهای روحی و روانی برای زنان به‌بار می‌آورد!

۲) برخی دیگر، قانون حجاب را مغایر اصل آزادی و دموکراسی معرفی نموده و با جدیت تمام با آن مخالفت می‌کنند و با کسانی که با میل و رغبت، حجاب و پوشش شان را به‌عنوان یک وظیفه و تکلیف رعایت کرده و در اجتماع ظاهر می‌شوند، با شدت برخورد کرده و از امتیازات اساسی و مهم اجتماعی مثل رفتن به‌مکتب، دانشگاه، استخدام در ادارات دولتی و گرفتن گذرنامه و... محروم می‌کنند، آن هم در کشورهایی که خود را مهد فرهنگ و تمدن و پایه‌گذار دموکراسی معرفی کرده و از آزادی‌های فردی و اجتماعی دم می‌زنند!

۳) عده‌ای قابل توجه نیز حجاب را به‌عنوان یک اصل و رعایت آن را در جامعه لازم و ضروری دانسته و از آن دفاع و حمایت می‌کنند. هر یک از این گروه‌ها از راه و روش خاصی پیروی کرده و ضرورت رعایت حجاب را از منظرهای مختلفی بیان داشته اند.

۴) برخی ضرورت رعایت حجاب را از منظر روان شناسی مطرح کرده و به بحث و ارزیابی آن پرداخته‌اند و با توجه به نیازهای روحی و روانی انسان، ضرورت رعایت حجاب را برای رشد و ترقی و تمرین تعالی او، معرفی کرده اند (روحانی، شهریار، آیا حجاب ضرورت دارد؟).

۵) برخی دیگر حجاب را به عنوان یک امر فطری، تلقی کرده و برای اثبات ادعای خود به شواهدی از اوستا، تلمود، تورات و انجیل تمسک نموده اند؛ این دسته مدعی هستند که حجاب به عنوان یک اصل مشترک در تمام ادیان، جایگاه خاصی داشته و دارد (محمدی، بی تا).

۶) دسته‌ای دیگر باتوجه به فرهنگ مبتذل غرب و رواج برهنگی و آسیب‌های فراوان و پیامدهای منفی آن که از این رهگذر متوجه قشر حساس زنان شده، آمار و ارقام به خوبی آن را نشان داده و حکایت می‌کند به ضرورت رعایت حجاب استدلال کرده و آن را حریم امن برای جامعه زنان و رشد و سلامت خانواده و اجتماع دیده‌اند و معرفی کرده اند (صبوری اردباری، بی تا).

۷) عده‌ای دیگر حجاب را به عنوان تکلیف الهی تلقی کرده و در انجام رعایت آن، مثل سایر واجبات الهی، خود و دیگران را ملزم می‌دانند و در انجام تکلیف و پوشش اسلامی از سرزنش و ملامت ملامت‌گران و توهین و تحقیر این و آن، افسرده و عصبانی نمی‌شوند، بلکه آن را به عنوان تکلیف الهی که باعث عفاف و پاکدامنی افراد و بهداشت و سلامت خانواده و اجتماع شده و رشد، ترقی و کمال آنان را به همراه دارد با عشق و علاقه رعایت می‌کنند و رعایت آن را به دیگران نیز توصیه نموده و به‌انجام آن تشویق و ترغیب می‌نمایند (عطایی، ۸۳/۱۲/۲۰).

در این دیدگاه‌ها فراز و فرود، یا افراط و تفریطی زیاد دیده می‌شود. حقیقت حجاب در منابع اصلی و دسته اول شفاف منعکس و تشریح گردیده است. اگر به‌دور از هیاهوی حاشیه‌ای و مسأله دار بررسی شود، نتیجه‌ای بهتر به‌دست می‌آید. از جامعه زنان کشور انتظار می‌رود که تحت تأثیر این فضاهای ملتهب قرار نگرفته و تصمیم ناسازگار با اوضاع و هنجارهای محیطی اتخاذ ننمایند.

۳. مبانی الزام حجاب و حقوق بشر در جوامع اسلامی

دقت در موارد فوق مبانی الزام را مشخص می‌سازد. در این میان اگر آیات شریفه قرآن کریم در ارتباط با مقوله حجاب را ارزیابی کنیم متوجه خواهیم شد که مسأله حجاب و پوشش که به عنوان یک پدیده بحث برانگیز و جنجالی در دنیای امروزی مطرح است امر جدید و نوظهوری نیست که با آمدن دین مبین اسلام، تشریح شده باشد، بلکه اگر نگوییم این مسأله ریشه در فطرت انسان دارد، لااقل می‌توان ادعا کرد که همراه با خلقت انسان، حتی قبل از هبوطش در عالم خاکی، مطرح بوده است. چون قرآن کریم می‌گوید: هنگامی که آدم ابوالبشر و همسرش حوا، توسط دشمن قسم خورده‌ای به نام ابلیس، وسوسه شدند و به منطقه ممنوعه نزدیک و از حد و مرز تعیین شده تجاوز می‌نمایند، یک باره خود را عریان و برهنه احساس می‌کنند، سراسیمه این طرف و آن طرف، دنبال پناهگاهی می‌روند و بالاخره قسمت‌هایی از بدن خود را با برگ درختان می‌پوشانند. در قرآن کریم آمده است هنگامی که از آن درخت، چشیدند، عورت شان نمایان شد و آن دو برای پوشاندن عورت خود، به برگ درخت روی آوردند (الاعراف، ۲۲/۷).

خداوند متعال در قرآن کریم به‌زنان دستور می‌دهد که پوشش مناسب را رعایت کرده و زیورآلات خود را آشکار نسازند. تا حوادث نظیر حادثه‌ای که آیه در ارتباط با آن نازل شده است، اتفاق نیفتد و جوانان از خود بی خود نشده و دنبال زنان و دختران نامحرم راه نیفتاده، امنیت و آرامش خود و دیگران را خدشه دار نسازند (النور، ۳۱/۲۴).

در سوره احزاب نیز در یک جا به زنان دستور می‌دهد: در محاورات روزمره حالت عادی داشته و با ناز و کرشمه و طنازی صحبت نکنید و در کوچه و خیابان با بدن های نیمه عریان و لباس های بدن نما، ظاهر نشوید (الاحزاب، ۳۳/۳۳). چند آیه بعد می‌فرماید: با چادر و مقنعه اندام خود را بپوشانید. تمام این برنامه و تاکیدها برای آن است که: مردم، زن ها را به عنوان افراد عفیف و پاکدامن بشناسند و موجبات آزار و اذیت آنان را فراهم نسازند (همان، آیه ۵۹). و چشم طمع ندوزند. و در نتیجه امنیت و آرامش قشر خانم ها در سایه چادر و رعایت ضوابط شریعت و پوشش اسلامی، تامین شود.

در امتداد دستور حجاب قرآن کریم می‌فرماید: با این راه و روش، اگر بیمار دلان هوسباز اصلاح نشدند و به آزار و اذیت خانم ها ادامه داده و امنیت و آرامش آنان را تهدید کردند، برخورد شدیدتری با آنان صورت خواهد گرفت: اگر منافقان و بیمار دلان شهوت پرست و کسانی که در شهر، اضطراب و نگرانی به وجود می‌آورند از اعمال زشت خود دست برندارند، تورا ای رسول علیه ایشان، بسیج خواهیم کرد، در آن صورت، مدت کمی در مجاورت با تو در این شهر زندگی خواهند کرد و نابود خواهند شد (همان، آیه ۶۰). تا آرامش و امنیت در جامعه تامین شود.

از مجموع مطالب یاد شده این نتیجه به دست می‌آید که رعایت حجاب و پوشش اسلامی برای زنان و مردان مؤمن و مسلمان، تکلیف الهی است. رعایت آن، علاوه بر این که موجب عمل به دستورات الهی می‌شود، شخصیت فردی اجتماعی و معنوی انسان محبوب و پاکدامن، سیر صعودی پیدا کرده و نردبان تعالی و تکامل را یکی پس از دیگری طی خواهد کرد و از سوی دیگر در تامین بهداشت روحی و روانی و آرامش خانواده ها و صفا، نورانیت و امنیت در جامعه نقش به سزایی ایفا می‌کند.

اما در اعلامیه جهانی حقوق بشر بحث ضرورت یا لزوم نفی حجاب زنان به میان نیامده است. محتوای اعلامیه بر محوریت نفی هرگونه تبعیض می‌چرخد. پس اگر پوشش زنان موجب تبعیض باشد اعلامیه با آن مخالفت خواهد کرد. اما اگر جزء فرهنگ و آداب دینی یا سنتی جامعه ای باشد اعلامیه به آن احترام می‌گذارد. در اعلامیه آمده است که «هر کس می‌تواند بدون هیچ گونه تمایز، خصوصا از حیث ... وضع اجتماعی ... یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره مند گردد» (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲). بنابراین اگر حجاب به عنوان نماد یک جامعه دارای ارزش معنوی باشد اعلامیه آن را می‌پذیرد. چیزی که در افغانستان مورد قبول همه اتباع و افراد جامعه می‌باشد. در ادامه اعلامیه صراحت دارد که «هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع ... سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد». در جامعه افغانستان برداشت عمومی از ضرورت حجاب زنان به عنوان تبعیض تلقی نمی‌شود. زیرا زنان افغانستان ضرورت «ستر» را از باب حکم الهی و اطاعت خالق هستی و عبادت می‌دانند. پس پوشش اسلامی هیچ گونه تعارضی با حقوق طبیعی آنان ندارد.

همین طور در مقدمه قانون منع هر گونه تبعیض علیه زنان تأکید روی این مطلب است که دولت های عضو میثاق های بین المللی حقوق بشر، متعهد شده اند که حقوق برابر مردان و زنان را در بهره مندی از کلیه امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی تضمین نمایند (کنوانسیون بین المللی رفع تبعیض علیه زنان، ۱۳۵۸). و نیز کنوانسیون در ماده اول موارد و مصادیق تبعیض را بر می‌شمارد و تصریح دارد که: «عبارت تبعیض علیه زنان، به معنی قائل شدن به هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت (محرومیت) بر اساس جنسیتی است که نتیجه یا به منظور خدشه دار کردن و یا بی اثر نمودن رسمیت و شناسائی، بهره مندی یا اعمالی که بوسیله زنان انجام می‌گیرد، صرف نظر از وضعیت تاهل آنها و بر مبنای برابری حقوق انسانی مردان و زنان و آزادی های اساسی در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر اطلاق می‌گردد» (همان، ماده اول) عبارت این ماده خیلی گویا است و می‌رساند که بحث حجاب در آن به عنوان ناقض حقوق بشری زنان شناخته نشده است. چون داشتن پوشش اسلامی مانع جدی حضور زنان در اجتماع، پذیرش مسؤولیت، تعلیم، احراز مقام های اداری و ... نمی‌باشد.

بنابراین ماحصل گفتار این است که بین حجاب و حقوق بشر تعارضی وجود ندارد. پس حجاب موجب نقض حقوق بشری زنان نمی‌باشد، لذا زنان با حفظ شؤنات اسلامی و احکام دینی قادر به استیفای حقوق خود در جامعه افغانستان می‌باشد.

۴. نزاع های محتمل میان پوشش اسلامی و حقوق بشر

باید پذیرفت که میان الزام به حجاب از منظر فقه اسلامی و حقوق بشر عرفی تفاهم و هم اندیشی خیلی ساده برقرار نیست. این دو نهاد مهم بین المللی در برخی موارد تنازع جدی دارد. به این دلیل که اسناد بین المللی حقوق بشر (اعلامیه، میثاقین و کنوانسیون) تأکید و اصرار زیاد بر روی برقراری تساوی بین زن و مرد دارد. این اسناد دولت ها را ملزم می نماید که «گنجاندن اصل برابری مردان و زنان در قوانین» (بند الف ماده دوم کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان) را رعایت کنند (بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون حقوق سیاسی و مدنی ملل متحد). منظور از برابری، تساوی زنان و مردان در تمام فرصت های پدید آمده در عرصه اجتماعی، حقوقی و تکلیفی خواهد بود. این بحث مربوط به کار، سهم الارث، دیه، روابط اجتماعی و سیاسی و ... می گیرد. به همین خاطر وقتی کشوری به معاهدات بین المللی می پیوندد، ملزم است که این معاهدات را جزء قوانین داخلی خود تلقی کرده و به اجرا گذارد.

در حالی که از نظر فقه و حقوق اسلامی برقراری تساوی، عین ظلم بر زنان خواهد بود. چرا که تفسیر تساوی در عمل برابر با تشابه زنان و مردان است. محتوای اسناد بین المللی القاء کننده این معنا است. در میثاق سیاسی مدنی آمد که «دولت های عضو این میثاق تعهد می نمایند که برابری حقوق مردان و زنان در بهره مند شدن از تمام حقوق سیاسی و مدنی که در این میثاق بیان شده است، تضمین شود.» منظور از این برابری عبارت از این است که زنان مرد وار باشند. و هیچ گونه الزام اخلاقی، شرعی و قانونی در امور روز مره خود نداشته باشند. چون تعهدات شرعی، پیوندهای خانوادگی و آداب زیست محیطی را نوع تبعیض محسوب می نماید. اما شریعت و به تبع آن قوانین حاکم بر جوامع اسلامی برابری فوق را نمی پذیرد. چون اصلاً آن را برابری نمی پندارد؛ بلکه نوع مشابهت زن و مرد حساب می کند.

به عبارت دیگر می توان گفت «تساوی حقوق یک مطلب است و تشابه حقوق مطلب دیگر؛ برابری حقوق زن و مرد از نظر ارزش های مادی و معنوی یک چیز است و همانندی و همشکلی و همسانی چیز دیگر. در این نهضت عمده یا سهواً «تساوی» به جای «تشابه» به کار رفت و «برابری» با «همانندی» یکی شمرده شد، «کیفیت» تحت الشعاع «کمیت» قرار گرفته، «انسان» بودن زن موجب فراموشی «زن» بودن وی گردید» (مطهری، بی تا، ج ۱۹، ص ۳۰) دین به دنبال برقراری عدالت است، ولی اسناد بین المللی می کوشد همانندی زن و مرد را در جمیع جهات تثبیت نماید. در برقراری نظام همانندی زن و مرد خواست های نظام سرمایه داری بر آورده می شود. «زیرا کارخانه داران برای اینکه زن را از خانه به کارخانه بکشند و از نیروی اقتصادی او بهره کشی کنند، حقوق زن، استقلال اقتصادی زن، آزادی زن، تساوی حقوق زن با مرد را عنوان کردند و آن ها بودند که توانستند به این خواسته ها رسمیت قانونی بدهند.»

اما خواسته اصلی دین از پوشش زن اعاده حیثیت به آنان، حمایت های اجتماعی و برقراری امنیت، حفظ شوئن و کرامت انسانی، بلا بردن مقام و منزلت شخصیتی و ارتقای سطح بشری زنان است. دین نمی خواهد زن مورد هوسبازی، مطامع شهوانی و هرزگی مردان واقع شود. پس این دو دیدگاه غیر قابل جمع و نامتجانس خواهد بود. بر همین اساس است که می توان گفت آموزه های دین بهتر از مقررات اسناد بین المللی منافع مادی و معنوی زنان را بر آورده می کند.

پوشش تام، به صورتی که زیبایی ها و زینت زن را بپوشانند و او را از چشم چرانی هرزگان و آلودگان به شهوت حیوانی، و حالات شیطانی حفظ کند دستوری قرآنی، و قانون الهی و تکلیف انسانی، و برنامه ای اخلاقی است.

براین اساس باید گفت: حجاب و پوشش برای انسان و (شکل کامل آن برای زنان) امری واجب و فریضه ای لازم، و بدون تردید منکر آن با آگاهی به این که از ضروریات اسلام، و فرمان خدا در قرآن است کافر، و از گردونه اسلام خارج است. بر همین اساس فقهاء فرموده اند:

بر زن واجب است گردن و زیر چانه خود را حتی بنابر احتیاط واجب مقداری از زیر چانه را که بعد از

بستن روسری دیده می شود بپوشاند (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۵۸).

و نیز یکی از فقها در ذیل کلام سید یزدی فرموده اند که:

هیچ اشکالی در وجوب پوشاندن زن تمام بدن خود را با قطع نظر از صورت و دو دست مطرح نشده، که در منظر غیر از شوهر و محارم خود این پوشش را رعایت نماید. این حکم مورد اجماع علما، بلکه جزء ضروریات دین است (خویی، بی تا، ج ۱۲، ص ۶۲).

همین طور مقام معظم رهبری، در یکی از فرمایشات خود می فرماید:

اسلام زنان را به شرکت در فعالیت های اجتماعی تشویق می کند و جامعه به برکت وجود زن، اصلاح می شود. جایگاه حجاب در حفظ شان و حرمت زن از دیدگاه معصومین نیز قابل تامل است (نشریه کیهان، چرای تهاجم غرب به حجاب، تاریخ: ۱۳۸۳/۱۰/۱۰).

۵. رویکرد قانون گذار افغانستان در رابطه با حجاب و حقوق بشر

هرچند که راجع به حجاب در هیچ یک از قوانین افغانستان حکمی وضع نشده است، اما نظام حقوقی کشور الزام به رعایت شریعت را در تمام امور به خود فرض می داند. از این کلیت می توان استفاده کرد که زنان بدون رعایت مقررات شرعی اجازه حضور در اجتماع را نمی یابند. چون برای مردم افغانستان اطاعت از شریعت مقدم بر احکام قانون است.

اما راجع به احکام حقوق بشر می توان گفت که قانون گذار افغانستان در قانون اساسی متعهد است که عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی و حمایت از حقوق بشر را سر لوحه کار خود قرار دهد. همین طور قول داده است که منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می کند (قانون اساسی جدید افغانستان، مواد ۶ و ۷، مصوب ۱۳۸۲). بنابر این زنان افغانستان بر اساس تعهدات فوق می توانند برابری اجتماعی را از دولت مطالبه نمایند و محتویات اعلامیه حقوق بشر، میثاق های حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان را خواستار شوند.

نظام سیاسی حاکم بر کشور برای اثبات حسن نیت خود و بر اساس ماده ۵۸ قانون اساسی اقدام به تأسیس کمیسیون مستقل حقوق بشر کرده و قانون آن نیز از تصویب شورای وزیران دولت موقت گذشته و به اجرا در آمده است. در ماده چهار این قانون آمده که:

حقوق بشر به مفهوم این قانون عبارت است از حقوق و آزادی های اساسی اتباع که در قانون اساسی، اعلامیه ها، میثاق ها، قرار دادها، پروتکل ها و سایر اسناد بین المللی حقوق بشر که افغانستان به رعایت و تطبیق آن ها متعهد است، تسجیل گردیده باشد. دسترسی مساوی و عادلانه به بیمه ها، تأمینات و خدماتی که دولت ارائه می دارد، نیز از جمله حقوق بشری افراد محسوب می گردد (قانون تشکیل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ماده ۴).

آن چه که دولت در این ماده خود را ملزم به رعایت آن کرده است و برای اتباع به عنوان حقوق اساسی به رسمیت شناخته است، بسیار کلی و عام است. در واقع این ماده در بر دارنده تمام موارد نگرانی اسناد بین المللی می باشد. این متن قانون گذار شامل هیچ نوع تبعیض مثبت یا منفی نمی باشد و صداقت دولت را حداقل در عرصه قانون گذاری به نمایش می گذارد.

بر همین اساس حرکت بعدی دولت تصویب قانون منع خشونت علیه زن است. این قانون که مصوب شورای وزیران می باشد در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۲۹ از طرف رئیس جمهور توشیح گردیده است. رعایت احتیاط و تساهل نظام حاکم بر کشور تا جای است که حتی جرأت نکرد، این قانون را از طریق ولسی جرگه مصوب نماید. زیرا خوف آن را داشت که ممکن است وکلای ملت به مواد این قانون رأی مثبت ندهند. در این قانون تلاش فراوانی شده است که حقوق زنان به بهترین وجه ممکن قانون گذاری شده و جهت تأمین چاره اندیشی شود. چون دلیل اصلی وضع قانون منع خشونت علیه زن این است که دولت افغانستان خود را به احترام و حمایت از آزادی و کرامت انسان مکلف می داند (قانون اساسی جدید افغانستان، ماده ۲۴). و نیز بر این باور است که خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می دهد و باید مورد حمایت دولت قرار گیرد. حتی بالاتر از این مقرر می کند که:

دولت به منظور تأمین سلامت جسمی و روحی خانواده، بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام تدابیر لازم اتخاذ می کند (بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون حقوق سیاسی و مدنی ملل متحد).

در این قانون الزام زن به حجاب مساوی با خشونت دانسته نشده است، بلکه یکی از موارد خشونت عبارت از مجبور نمودن زن به فحشاء است (بند ۲ ماده ۵ قانون منع خشونت علیه زن). فحشاء عبارت از عمل شنیع زنا است و معمولاً (در زنان) از طریق بی حجابی یا بد حجابی در جامعه ترویج می شود. پس عریان سازی و برهنگی زنان با حقوق اساسی آنها ناسازگار و باعث نا امنی حیات اجتماعی شان خواهد بود. و نیز تأمین سلامت جسمی و روحی خانواده در گرو رعایت پوشش مناسبی است که شریعت اسلام به آن امر کرده است. و دولت افغانستان هیچ وقت نمی تواند مقررات مخالف احکام شریعت اسلام را وضع یا تطبیق نماید.

۶. کارکرد حجاب در راستای حفظ حقوق بشر

اکنون می توان این پرسش را مطرح کرد که تشریع حجاب چه کارکرد مثبت در جامعه دارد و چگونه در تأمین حقوق بشری زن نقش آفرینی می نماید؟! در جواب باید گفت مهم ترین کارکردهای حجاب برای حفظ حقوق بشری زنان به قرار ذیل است:

۱-۶. تقویت امنیت اجتماعی زنان

در سایه رعایت عفاف، زن با شهامت هر چه تمامتر به وظیفه خود مشغول شده و خطری از ناحیه اجتماع متوجه وی نمی شود، پوشش دینی پیام عفت، شخصیت و خداترسی زن مسلمان است و مردان جامعه نه تنها به چنین زنانی چشم طمع نخواهند داشت که پاکی و نجابت او را می ستایند. اگر زن از حصار منیع پوشش درآید، در معرض ضربات دیده های آلوده و قلوب منحرف قرار می گیرد و آرامش خود را از دست می دهد. چنان که قرآن کریم هم یکی از دلایل تشریع حجاب را در بعد امنیتی آن معرفی کرده است. چنان که این موضوع یکی از دغدغه های حقوق بشر نیز می باشد که در اسناد جهانی حقوق بشر ابراز گردیده است. لذا وقتی امنیت زنان تأمین شود گامی در جهت استیفای حقوق بشری آنان خواهد بود.

۲-۶. افزایش آرامش روانی در جامعه

هر نظامی که انتظارات و نقش هایی را از گروه های مختلف اجتماعی دارد، باید مکانیزم حمایت از نقش ها را نیز تمهید نماید. بنابراین انتظار مشارکت اجتماعی، نان آوری، فعالیت های علمی و سیاسی از تمام مردم یا گروه های خاص می طلبد که زمینه های مناسب برای حسن اجرای نقش ها فراهم شود و رعایت حجاب از عواملی است که می تواند به افزایش آرامش روانی زن و مرد، کم شدن گناه و بالا رفتن توانمندی اجتماعی آنان منجر شود. به تعبیر دیگر آرامش روانی می تواند استهلاک قوا در محیط اجتماعی را کاهش دهد. پس نقش قوانین محدود کننده دینی در موضوع پوشش، شبیه به نقش قوانین محدود کننده در میادین ورزشی است؛ که با ایجاد محدودیت در رفتارهای غیر ورزشی، مثل در نظر گرفتن جریمه هایی در خطای عمدی، کارت قرمز و کارت زرد، سعی می کند تا استعداد بازیکنان را به سمت انجام رفتار ورزشکارانه متمرکز نماید.

۳-۶. حمایت از خانواده در کارکرد جنسی

اگر آستان رضایت مندی جنسی را خطی فرضی بدانیم که نمایانگر آن است که رفتارهای جنسی در بالاتر از این سطح (خط) به نشاط و رضایت مندی می انجامد و پایین از آن به رضایت مندی منجر نمی شود، پیامد بالا رفتن آستانه رضایت مندی (مانند بالا رفتن خط فقر و خط احساس امنیت) آن است که با وجود آن که روابط جنسی متداول و قانونی توسط شخص انجام می شود، اما از برقراری رابطه احساس رضایت مندی نخواهد کرد. از این رو در صدد بر می آید تا با شیوه های نامشروع به رضایت مندی دست یابد. به نظر می رسد سیاست دین آن است که از بالا رفتن آستانه رضایت مندی جلوگیری کند و آن را در حدی نگه دارد که توقعات و حرص جنسی افزایش نیابد و در نتیجه شخص از ارتباط جنسی درون خانوادگی احساس لذت و نشاط کند و

مفاسد اجتماعی گسترده نشود. از این رو احکامی چون رعایت حجاب، حفظ نگاه، پرهیز از اختلاط بی مورد با جنس مخالف، پرهیز از خلوت نشینی، خوش صحبتی و مفاکحه با جنس مخالف، رعایت آداب ارتباط با محارم ناهمجنس و ... از یک سو و توصیه به خودآرایی همسران و ایجاد ارتباط جنسی با نشاط (در محیط خانه) از سوی دیگر، به کارآمدی جنسی خانواده می‌انجامد. لذا می‌توان به این نتیجه رسید که کم‌ترین پیامد ابتذال در پوشش و سهل انگاری در روابط، تنزل جایگاه زن در خانواده و تغییر ذائقه جنسی است. چنانکه در دهه‌های اخیر تغییر ذائقه جنسی در برخی جوامع سبب رویکرد بیش از پیش جوانان به روابط جنسی آزاد، روابط جنسی با محارم، همجنس گرایی و رابطه جنسی با حیوانات و اشیاء شده است و نه تنها رابطه جنسی زن و مرد در خارج از خانواده طبیعی تلقی نمی‌شود، که انحصار ارتباط جنسی با همسر سبب تعجب و یا حتی تحقیر هم گردیده است.

۴-۶. حرمت بخشیدن به زن

زن گوهر گرانبهای الهی است. پس ضرورت دارد که مقام ارزشی خود را در صدف حجاب نگهداری کند. زن مسلمان تجسم حرمت و عفت در جامعه است. حفظ پوشش به نوعی احترام گذاشتن به زن و محفوظ نگه داشتن وی از بهره‌مندی شهوانی و حیوانی است. زن اگر موقعیت خود را در نظام آفرینش بیابد، حقیقت و ارزش خود را درک کند و بداند که از کجا آمده است، در کجا قرار دارد و به کجا می‌رود؟ از پوشش دینی به عنوان یک نیاز جدی خود بهره می‌گیرد و هرگز جامعه را صحنه نمایش تن‌آرایی و تحرکات جنسی خود قرار نمی‌دهد. زیرا این حرمت‌بانی او را سریع‌تر به حقوق انسانی و کرامتی که اسناد بین‌الملل از آن دم می‌زند خواهد رساند.

۵-۶. مجوز حضور زن در اجتماع و احقاق حق بشری

اسلام با طرح پوشش زن در حقیقت جواز حضور او را در اجتماع رقم زده است و با دستورات حکیمانه و راهگشایی که در چگونگی منش و روش او ارائه داده از یک سو این نیروی عظیم را از تباه شدن و در گوشه‌ای بی‌هدف و اثر ماندن نجات داده و از سوی دیگر مانع گسترش فساد و ناهنجاری‌های ناشی از اختلاط مرد و زن شده است. در جوامع اسلامی این بهترین راه برای زنان جهت مطالبه حقوق قانونی خود است.

۷-۶. استحکام پیوند خانوادگی

بدون هیچ تردیدی هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد، برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش را مبذول کرد، و بالعکس هر چیزی که باعث سستی روابط زوجین و دلسردی آنان گردد به حال زندگی خانوادگی زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد. بر همین اساس است که قوانین کشور خواستار استحکام بنیان خانواده بوده و حضور زنان را با حفظ شؤونات دینی مجاز می‌داند.

خودنمایی و حضور تحریک آمیز زنان و دختران در صحنه‌های اجتماعی، نظر هر مرد متاهل و مجردی را به خود جلب می‌کند. وقتی چشم‌های مردی در محیط‌های مختلف اجتماعی از دیدن مناظر مسموم توجه به زنان و دختران کامیاب شود، طبعاً میزان علاقه او نسبت به همسرش کاهش می‌یابد، این کاهش علاقه در بلندمدت استحکام پیوند خانوادگی را به سستی و در نهایت به جدایی مبدل می‌کند.

۸-۶. مبارزه با نفس

میل به خودنمایی و جلوه‌گری به مصالحی در سرشت آدمی، نهفته است که باید در مسیر درست و هدفی والا به کار گرفته شود، پوشش را می‌توان مهم‌ترین عامل تعدیل میل خودنمایی دانست، حضرت علی(ع) در این مورد می‌فرماید:

الْعَفَافُ يَصُونُ النَّفْسَ وَيَنْزِهُهَا عَنِ الدُّنْيَا (تمیمی آمدی، بی تا، ص ۲۵۶).

پاک دامنی نفس را نگه می‌دارد و آن را از پستی‌ها تزکیه می‌کند، یعنی اموری که باعث پستی مرتبه انسان می‌شود، باعفاف قابل محافظت است.

زیبایی برای زن، سرمایه است، اما باید به جا مصرف شود و راه پاسداری از جمال زن، حفظ عفاف و پوشش است. جواز کشف حجاب در مقابل محارم از جمله شوهر، این غریزه را جهت می‌دهد که خودآرائی زن مختص به شوهر باشد و منع آن در برابر نامحرم، این غریزه را کنترل می‌کند و جلو مرزشکنی را می‌گیرد، تعدیل این غریزه می‌تواند گامی در جهت مبارزه با سایر خواهش‌های نفسانی باشد. مهار تمایلات نفس با مبارزه ممکن می‌شود و تلاش زن در این راستا حکم جهاد را دارد.

۷. روش‌های ترویج حجاب و تأمین حقوق بشری زن

حال که حجاب می‌تواند موجب حفظ کرامت و شخصیت زن بوده و سبب تبعیض زدایی از ساحت وجودی آنان گردد، بسیار شایسته خواهد بود اگر روش‌های ترویج و نهادینه شدن آن در جامعه با توجه به تلاطم امواج مخرب کاویده و معرفی شود. زیرا نهادینه شدن حجاب از دو جهت سود آورد می‌باشد. از یک جهت زن را در احیاء هویت خود مساعدت می‌کند و از جهت دیگر حقوق انسانی او را بر آورده خواهد ساخت. این روش‌ها به‌قرار ذیل است:

۷-۱. تقویت ایمان و باورهای دینی زن

در زنان مسلمان باید باور استوار و ایمان عمیق ایجاد شود، زنی که دل به حق داده و اندیشه به خدا سپرده و فرجام زندگی دنیوی را یقین دارد، چطور حاضر می‌شود خودآرایی و خودنمایی کند و خود را در معرض دیدهای آلوده قرار دهد و زمینه‌های تلذذ دیگران و فسادآفرینی را به‌وجود آورد؟

بنابر این اولین گام و حرکت اصولی در ترویج فرهنگ حجاب، آشنایی کامل با دین و تقویت اعتقادات اسلامی در بین افراد جامعه، و به‌خصوص زنان است. اگر ما دین و ایمان را به‌معنای واقعی آن در زن مستحکم نمائیم، دیگر مشکلی تحت عنوان بدحجابی در جامعه اسلامی خود نخواهیم داشت، برای نمونه توصیه قرآن کریم به بانوان را بخوانیم که می‌گوید: «ای پیامبر! به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنین بگو خود را با جلباب بپوشانند» (الاحزاب، ۵۹/۳۳). اکثر مفسرین و لغویین جلباب را به معنای چادر و عبا تفسیر و معنا کرده اند.

۷-۲. احیاء ارزش‌های اصیل اسلامی (خاصه در مورد زن)

احیای ارزش‌های اصیل اسلامی و فراخوانی زن مسلمان به تعقل و دریافتن ارزش‌ها و آفریدن روح تعبد و تعهد نسبت به این‌ها نقش مهمی در ترویج فرهنگ حجاب خواهد داشت. زن مؤمن باید آنچه را اسلام به‌عنوان ارزش بدان می‌نگرد، باور داشته باشد و بداند که شخصیت و عظمت او در گرو روح بلند، اندیشه والا، قلب پاک و جان پیراسته از آلودگی است؛ که او را به روش انسانی و منش اسلامی فرا خواهد خواند و بداند تن آرایه بسته و ظاهر فریبنده، هرگز نمایشگر شخصیت او نیست. در روایتی از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که فرمودند:

دو گروه از اهل آتشند که من آن‌ها را ندیدم. گروهی که تازیانه هائی همانند دم گاو دارند و به انسان‌ها می‌زنند، گروه دوم زنانی هستند که در عین پوشیدگی برهنه اند (لباسهای نازک و بدن نما می‌پوشند)، هوسباز و دلفریبند، موهای آن‌ها همانند کوهان شتر جلوه‌گر است. این‌ها وارد بهشت نمی‌شوند و بوی آن را هم استشمام نمی‌کنند، اگر چه بوی بهشت از مسیر بسیار دور. استشمام می‌شود (مسلم، بی تا، ج ۸، ص ۱۵۰).

بنابر این احیای فرهنگ اصیل اسلامی و الهی و گسترش آن در جامعه، قدمی مهم در ترویج فرهنگ حجاب در جامعه، گام مهمی در جهت مستحق شدن زن در جهت تحصیل حقوق خود خواهد بود.

۷-۳. شناساندن و معرفی الگوهای والا در زمینه حجاب

الگوها در ساختار روحی و رفتاری انسان نقشی مهم برعهده دارند. امروزه یکی از تاسفهای جدی این است که زن جامعه افغانستان آن چنان که بایسته و شایسته است با چهره های بلند تاریخ اسلام آشنا نیستند، زندگانی زنان نام آوری همچون حضرت مریم(ع)، حضرت زهرا(س) و حضرت زینب(س) و دیگر چهره های والای تاریخ گذشته و معاصر باید برای زن مؤمن نشان داده شود تا بنگرد چه سان با حفظ هویت، شخصیت، وقار و متانت می تواند در جامعه حضور پیدا کرده و ایفای نقش نماید. باید توجه داشت که انسان فطرتاً الگوگزين و الگوپذیر است. پیوسته می خواهد ارزشهایی را که بدان باور دارد در چهره های مجسم بنگرد و خود را همانند آن الگو بسازد. بنابر این ارائه الگوهای مناسب قدمی مهم در ترویج فرهنگ حجاب خواهد بود. فاطمه زهرا(س) که مظهر عفاف، تقوا و سرمشق تمامی زنان مسلمان است فرمود: بهترین زنان، زنی است که مردی را نبیند و مردی هم او را نبیند (الأصبهانی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۴۰). خود آن بانوی با کرامت هنگامی که قدم در عرصه اجتماع می گذاشت مقنعه را محکم به سر بسته و خود را در جامعه ای فراگیر می پیچید، در جمع زنان بنی هاشم در حالی که جامه های بلند می پوشید، با ابهت و متانت شگرف قدم بر می داشت و راه رفتن او گام زدن رسول الله(ص) را به یاد می آورد (فتاحی زاده، ۱۳۷۶، ص ۱۳۲).

۷-۴. کتب درسی

گام مؤثر و عملی دیگر در مسیر احقاق حقوق زنان و آشنایی آنان با ارزشمندی حجاب، گنجاندن مطالب مهم در زمینه پوشش و آموزش های لازم در کتب درسی در دوره های ابتدائی لیسه و پوهنتون ها است. در عصر جدید، کتب درسی یکی از مهم ترین ابزار برای معرفی و ترویج فرهنگ حجاب در جامعه می باشد و عدم برنامه ریزی و توجه دقیق به این بخش ممکن است در دراز مدت باعث فراموشی ارزش های والای اسلام در فرهنگ متعالی حجاب گردد. علاوه بر آن اطلاع رسانی از آموزه های حقوق بشر در قوانین کشور و اسناد بین المللی از طریق آموزش و درج مطالب آموزشی در کتاب های درسی است. اگر بنا باشد وضعیت زن در این کشور ساماندهی و نظامند شود نباید از این فرصت ها غفلت شود. آموزش های تدریجی برای نهادینه شدن ارزش ها بهترین فرصت خواهد بود.

۷-۵. رسانه های گفتاری، نوشتاری، شنیداری و نمایشی

ابزار فرهنگی دیگری که می توانند در خدمت معرفی حقوق بشر و ترویج فرهنگ حجاب در جامعه قرار بگیرد، روزنامه ها، مجلات، رادیو و تلویزیون ها هستند. امروزه تقریباً اکثریت مردم جامعه به نحوی با روزنامه ها و مجلات، ابزار صوتی و تصویری سروکار دارند و در آینده نقش روزنامه ها و مجلات افزون تر خواهد گردید. بنابر این ما می توانیم با برنامه ریزی درست، منسجم و هدفدار از این رسانه های گروهی برای آموزش مخاطبان خود استفاده نماییم. تلویزیون، رادیو، کتب و آثار نوشتاری، برگزاری همایش های از این دست در زمینه تبیین مفاهیم بنیادی و اساسی مناسب ترین بستر خواهد بود. شایسته است که به اندیشمندان و مبتکران مسایل اجتماعی فرصت داده شود و از افکار آنان برای بازسازی زیرساخت های فکری و فرهنگی کشور استفاده گردد (ابراهیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲).

۷-۶. نقش خانواده ها در گسترش فرهنگ حجاب

روانشناسان ثابت کرده اند که شخصیت و هویت کودک در مراحل اولیه در خانواده شکل می گیرد، کودک مانند مومی است که قابلیت هرگونه شکل گیری را دارد، ذهن خالی او بسان سیستمی است که تازه راه اندازی شده باشد. بنابراین اگر والدین دوست داشته باشند که دخترانی با حجاب و پوشش مناسب تحویل جامعه دهند، باید بذرها و زمینه های آن را در کودکی استحکام بخشند و خود رعایت اصول و قواعد پوشش مناسب را در محیط خانواده بنمایند، چرا که الگوی کودک، والدین و اعضای خانواده اند (مردانی نوکنده، محمدحسین، حجاب و چگونگی ترویج آن در جامعه، نشریه کیهان، مورخ ۱۳۸۴/۱/۳۰). جداسازی

اتاق خواب کودکان، رعایت مرزهای اخلاقی، بهره گیری از پوشش مناسب و اقداماتی از این قبیل می تواند در نهادینه کردن فرهنگ حجاب فوق العاده مؤثر باشد. و ما باید بدانیم که اگر خانواده در آموزش درست فرهنگ حجاب به فرزندان خود، بکوشند مشکلی بنام فرهنگ زدایی و عریانگرایی پدید نمی آید (همان).

نتیجه گیری

از تبیین و تحلیلی که پیرامون موضوع «حجاب و حقوق بشر» انجام گرفت به این جمع بندی می رسیم که این دو مفهوم در گذشته ها و در جوامع اسلامی به کنکاش در آمده و پیرامون آن دیدگاه های مختلفی وجود و بروز پیدا کرده است. حجاب یکی از آموزه های مهم اسلامی است. ریشه در قرآن دارد. به عنوان حق الله مطرح است. و دارای حکم تکلیفی خیلی صریحی می باشد که فقها آن را اجتهاد کرده و در اختیار مکلفین قرار می دهند.

حقوق بشر جزء آموزه های حقوق طبیعی است. ریشه در اسناد بین المللی دارد. کشورهای زیادی از جمله افغانستان، بسیاری این اسناد را امضاء کرده و متعهد به رعایت آن می باشند. چنان که در قانون اساسی به آن اشاره شده و در قوانین عادی نیز درج گردیده است. امروزه اگر کشوری الزامات این اسناد را نپذیرد از طرف جامعه جهانی و سازمان ملل تنبیه خواهد شد. و این عمل نشان از بی تمدنی و عقب ماندگی آن مملکت خواهد داشت.

در این بررسی معلوم شد که حجاب و عفاف در اسناد بین المللی دارای حکم و الزام نمی باشد، اما اگر به عنوان تبعیض علیه زنان تلقی گردد یا موجب محرومیت آنان از حقوق اساسی خود شود یا موجب محدودیت شغلی، تحصیلی و فعالیت های اجتماعی آنان باشد، قطعاً با محتوای اسناد حقوق بشر جهانی در معارضة و ضدیت خواهد بود.

ولی می توان گفت انسان ها و جوامع بشری از تنوع فرهنگی برخوردار هستند، تحمیل یک فرهنگ بر سایر جوامع عین ظلم و نقض حقوق بشر خواهد بود. لذا قانون گذار افغانستان هیچ وقت در صدد تحمیل آموزه های حقوق بشر که ریشه در فرهنگ عریانگرایی غرب دارد بر نمی آید. بر همین اساس تصویب قوانین عرفی با عنایت به آموزه های دین اسلام (که دین اکثریت قریب به اتفاق مردم کشور است) وضع می گردد. با این که در قوانین عادی حکم مشخصی راجع به حجاب وضع نشده، اما محتوای قانون می رساند که رعایت نکردن حجاب بانوان توجیه ناپذیر است. دلایل آن هم خیلی روشن است. چون نظام عریانگری در جای خود آسیب های اجتماعی جدی را در پی داشته است. به این علت که سرآمد آن سست شدن بنیان خانواده بوده و امنیت روانی جامعه را به مخاطره انداخته است. تاجایی که زنان جامعه آزاد حسرت یک لحظه دلباختگی مردان خانواده های مقید به حجاب را می خورند و به وضوح در یافته اند که بازی چهای نظام سرمایه داری قرار گرفته اند.

اکنون هم فرار از زیر بار مسؤولیت اداره خانواده، تربیت فرزندان شایسته، تأمین مخارج زندگی و مشکلات دیگر، ثمره نظام آزادی زن است. انجام کار شاق، شرکت در تأمین مخارج زندگی مشترک و بی بنیاد بودن عقد ازدواج، زنان را از پادر آورده و تدریجاً ناراضی از وضع خود خواهد کرد. ولی این مشکلات بر سر راه زنان دارای نظام ارزشی احکام الهی بروز نخواهد کرد. مردان مسلمان با بذل جان، عاشقانه می کوشند که محیط خانه و اعضای آن در کمال رفاه و آرامش بسر برند. آنان هیچ وقت منت تأمین معیشت را بر اعضای خانواده نمی گذارند و این حکایت از صداقت این مردان می کند.

البته با پیش آمده فضای جدید احتمال آلوده شدن فضای موجود زیاد است. خطر انحطاط در پشت گوش ما قرار دارد، غفلت از آلاینده های وارداتی ممکن است جبران ناپذیر باشد. تجارت سکس حریم عفت جامعه را به شدت تهدید می کند. ترویج ابتذال از طریق رسانه های صوتی - تصویری در حال گسترش است. مسؤولان و برنامه ریزان در سطح کلان کشور نباید از کنار این خطرها راحت عبور نمایند. بنابراین امیدوارم تلاش شما در این راستا آثار مثبت به همراه داشته باشد. و زنگ خطر را به طور جدی به صدا در آورد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

الف) کتب و مقالات:

- ابراهیمی، محمد علی، مؤثر ترین ارکان، موانع و راهکارهای تبلیغ در افغانستان، فصلنامه بشارت، شماره ۴۳، ۱۳۸۹.
- ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴.
- الأصبهانی، أبو نعیم، حلیۃ الأولیاء وطبقات الأصفیاء، دار الکتب العربی - بیروت، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۵.
- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۱.
- ایمانی، عباس، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، نامه هستی، ۱۳۷۵.
- تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکمل، قم، مکتب الإعلام الاسلامی، بی تا.
- تومان‌پین، حقوق بشر و سیر تکاملی آن در غرب، ترجمه: مهدی ابوسعیدی. تهران، انتشارات آسیا، ۱۳۴۴.
- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۹.
- خویی، سید ابوالقاسم، موسوعة الإمام الخوئی، بی جا، مؤسسه الخوئی الاسلامیة، بی تا.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، در آمدی بر حقوق اسلامی، ص ۱۲۳، تهران، انتشارات سمت، بی تا.
- رابرت بلدسو، فرهنگ حقوق بین‌الملل، ترجمه بهمن آقایی، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵.
- ژاک موروژئون، حقوق بشر، ترجمه احمد نقیب زاده، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۸۰.
- صبوری اردباری، احمد، نگاه پاک زن و نگاه‌های آلوده به‌او، آیین بهزیستی اسلام، بی تا.
- طریحی، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
- عطایی، محمد آصف، امنیت در سایه حجاب، نشریه کیهان، ۸۳/۱۲/۲۰.
- فتاحی زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
- محمدی، علی، حجاب در ادیان، ماهنامه پیام زن، شماره‌های ۱۸ الی ۲۰، بی تا.
- محمودی، عبدالحسین، حقوق بشر و چالش‌های فرارو، انتشارات نجم‌الهدی، ۱۳۸۵.
- مسلم، صحیح مسلم، دارالفکر، بیروت، بی تا.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۸۲.
- مظفر، محمد رضا، المنطق، دار التعارف، بیروت لبنان، ۱۴۰۰-ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- موحد، محمد علی، در هوای حق و عدالت، (از حقوق طبیعی تا حقوق بشر)، تهران، نشر کار نامه، بی تا.

ب. کنوانسیون و قوانین:

- کنوانسیون بین‌المللی رفع تبعیض علیه زنان، مصوبه ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ (۲۷ قوس ۱۳۵۸) - قطعنامه شماره ۳۴/۱۸۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
- قانون تشکیل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.
- قانون اساسی جدید افغانستان.